



انتصاب معاون امور هنری وزارت فرهنگ

مهدی شفیعی با حکم سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به‌عنوان معاون هنری این وزارتخانه منصوب شد. این انتصاب پس از برکناری نادره رضایی و سرپرستی چهار ماهه محمدمهدی احمدی انجام شده است. در متن حکم صالحی، شفیعی مامور شده به رونق فعالیت‌های هنری، حمایت از تولید آثار، تقویت نهاد‌های صنفی و توسعه حضور فرهنگی هنری ایران در سطح جهانی کمک کند. توسعه اقتصاد هنر، ایجاد و تقویت شبکه‌های نوین بازار محصولات هنری، گسترش صادرات آثار هنری و نقش‌آفرینی مؤثر در رویدادهای بین‌المللی از محورهای دیگر این حکم است. وزیر فرهنگ همچنین بر صیانت از حقوق مادی و معنوی هنرمندان، توسعه زیرساخت‌های هنری، محروم، افزایش دسترسی عمومی به رویدادها و محصولات هنری و بهره‌گیری از سکوه‌ای برخط و مجازی تأکید کرده است. شفیعی دانش‌آموخته دکترای پژوهش هنر است و پیش‌تر مسئولیت‌هایی از جمله مدیریت کلی هنرهای نمایشی و معاونت توسعه مدیریت و منابع سازمان سینمایی را برعهده داشته است.



علت مرگ بریزیت باردو اعلام شد

هم‌زمان با برگزاری مراسم خاکسپاری مرگ بریزیت باردو، همسر او، علت مرگ این بازیگر سرشناس و نماد سینمای فرانسه را اعلام کرد. طبق گفته‌های همسر باردو، این بازیگر پیش از درگذشت، در سن ۹۱ سالگی، دو عمل جراحی مرتبط با سرطان را پشت‌سر گذاشته بود. برنار دورمال، همسر بریزیت باردو، در گفت‌وگویی با رسانه‌ها گفته که باردو، دو جراحی را به‌خوبی تحمل کرده بود، اما عوارض بیماری به مرگ او انجامید. باردو در خانه‌اش در سن‌تروپه، شهر ساحلی جنوب فرانسه، درگذشت؛ جایی که پس از کناره‌گیری از سینما در اوایل دهه ۱۹۷۰، به مرکز زندگی شخصی و عمومی‌اش تبدیل شده بود. مراسم خاکسپاری این بازیگر، دیروز در کلیسای نوتردام برگزار شد. باردو که از چهره‌های تأثیرگذار سینمای دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود، در سال‌های پایانی عمر با مشکلات جسمی ازجمله آرتروز شدید نیز دست‌وپنجه نرم می‌کرد.



لغو کنسرت‌های بابک جهانبخش

بابک جهانبخش، خواننده موسیقی پاپ، از لغو کنسرت‌های آینده خود به‌دلیل شرایط کشور خبر داد. جهانبخش پیش‌از اجرای کنسرت اخیرش، در سخنانی خطاب به مخاطبان به اعتراضات مردمی، نسبت به مشکلات معیشتی و سوءمدیریت‌ها اشاره کرده و گفته، خود را جدا از مردم نمی‌داند و نسبت به شرایط موجود و گرانی‌ها معترض است. این خواننده اعلام کرد، حضورش روی صحنه برای بیان همین اعتراض بوده و در صورت سوبرداشت، بیشترین فشار و شرمندگی متوجه خود اوست. جهانبخش در پایان گفت، تمام اجراهایش تا اطلاع‌ثانوسی و بهبود حال عمومی جامعه، لغو می‌شود و درآمد کنسرت اخیر نیز به‌طورکامل به افرادنیازمند اختصاص خواهدیافت.



دموکراتیک‌ترین چهره ادبیات

باختین در «رابله و جهانش» به ستایش خصلت کارناوالی رمان فرانسوارابله می‌پردازد

معرفی کتاب

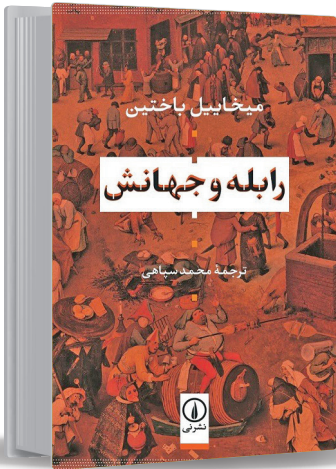
رابله و جهانش

نویسنده: میخائیل باختین

مترجم: محمد سپاهی

انتشارات: نشر نی

قیمت: ۷۸۰ هزار تومان



باختین به رمان و کارناوال البته تناسبی نیز دارد با علاقه باختین به فرهنگ عامه و مفهوم خنده در درون آن؛ زیرا



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

«رابله و جهانش»، کتابی است نوشته میخائیل باختین که در آن این نظریه‌پرداز برجسته روسی سراغ رمان پنج جلدی فرانسوا رابله ـ نویسنده، پزشک، پژوهشگر، کشیش و گول فکری قرن شانزدهم فرانسه ـ که به‌طور مختصر آن را «گارگانتوا و پانتاگروئل» می‌نامیم، می‌رود و بازنمایی‌های رابله از فرهنگ عامیانه و نگرش کارناوالی مندرج در نوشته‌های او را موردتوجه قرار می‌دهد. ازاین‌منظر می‌توان این کتاب را در ادامه همان رویکردی دانست که باختین بدان شهرت دارد؛ یعنی نظریه رمان او که باختین آن را در نسبتی وثیق با فرهنگ عامه و واقعیتی به‌نام کارناوال قرار می‌دهد و بدین‌ترتیب نتیجه می‌گیرد که اصول کلی کارناوال و رمان، شباهتی ویژه با یکدیگر دارند زیرا عبارتند از چندزبانی اکید و هدفمند و کثرت‌سبک‌ها. این نگرش

غذا به مثابه میدان فرهنگ

معرفی شماره چهارم فصلنامه تنور

معرفی مجله

فصلنامه تنور

صاحب امتیاز: سپهر سرلک

سردبیر: سوشیانس شجاعی فرد

شماره: چهارم

قیمت: ۲۵۰ هزار تومان



مهسا طاعتی خبرنگار گروه فرهنگ

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، آشپزی «تنور» که در سه شماره پیش به موضوعاتی درباره نسبت جنگ و سینما با غذا پرداخته بود، در شماره چهارم خود موضوع «غذا در ادبیات» را دستمایه بررسی قرار داده است. این شماره درباره بازتعریف معنای غذا به‌عنوان پدیده فرهنگی و اجتماعی است و در آن لایه‌های پنهان زندگی انسان‌ها در ابعاد مختلف سیاست، محیط‌زیست، زیست روزمره، آیین‌ها، حافظه جمعی و تاریخ را با غذا و آشپزی پیوند می‌زند.

در بخش ابتدایی مجله، سپهر سرلک، مقاله‌ای با عنوان «دوگانه علم و تجربه» درباره هویت آشپزی ایرانی در مواجهه با علم و مدرنیزاسیون نوشته و منصوره اتحادیه در یادداشتی با تیتر « گنج‌های

خانگی» درباره نقش دفترچه‌های آشپزی در ثبت آیین، خاطره و تاریخ روزمره زنان ایرانی نوشته است. در ادامه نیز، معصومه ابراهیمی در مطلب «سفره‌ای برای خورشید» به نقش آیین‌های باستانی ایرانی در بازتولید هویت و همبستگی اجتماعی پرداخته است. از نظر نویسنده مطلب، جشن‌های ایرانی به‌عنوان یک مکانیسم فرهنگی برای بقا، همبستگی و بازتولید هویت ایرانی عمل می‌کنند. دراین‌میان غذا و آشپزی نقش کلیدی در این مکانیسم فرهنگی با ایجاد فضا برای گفت‌وگو، شنیدن و شنیده‌شدن، کاهش فاصله‌های اجتماعی و

کتاب پنچشنبه



باختین نیز نظیر زلنین، تروبتسکوی، یاکوبسن و پرپ اب اهمیت لایه‌های «زیرین» فرهنگ در مقابل «فرهنگ والا»ی رسمی و یکدست تأکید می‌کرد. در میان این گروه، حتی تروبتسکوی در کتاب «اروپا و بشریت» به «مرکزگرایی فرهنگی» و سلسله‌مراتب اجتماعی و قومی آن نیز می‌تازد و می‌گوید، این امر امکان گفت‌وگو بین لایه‌های متفاوت فرهنگی را از میان برداشته است. چنین پیامدی البته از نظر باختین به هیچ روی مطلوب نیست؛ زیرا برای باختین دیالوگ و مکالمه، جزء لاینترجای کشف حقیقت و مسیر بازگشت‌ناپذیر استعلاّی حیات است. بنابراین همانطور که در کارناوال، نقاب‌ها کنار می‌رود و انسان‌ها خود واقعی‌شان را بدون شرمندگی و با کمال میل، اشتیاق و شادی آشکار می‌کنند، در مکالمه آرمانی ـ چیزی شبیه مکالمه‌های سقراطی ـ نیز نشانی از آن «کلام اقتدارگرا» که به هیچ نوع، کلام دیگری اجازه مجاورت یا تداخل نمی‌دهد، وجود ندارد.

▼ رنالیسم گروتسک در برابر رنالیسم سوسیالیستی

با این تفاسیر می‌توان گفت، اصل سخن باختین این است که اگر کارناوال نقطه مقابل فرهنگ رسمی است و مکالمه روبه‌روی کلام اقتدارگرا قرار می‌گیرد، رمان تک‌صدایی نیز وجود ندارد و هر رمانی ذاتاً جدلی است. از این زاویه ازقضا همانطور که مایکل هولکویست نیز در پیشگفتار خود بر این کتاب اشاره کرده است، باختین نیز فقط راوی رابله در این اثر نیست؛ بلکه او نیز در حال انجام همان کاری است که رابله با رمانش بدان اهتمام ورزید. اگر رابله در اثرش تقابل کهنه و نو، مجاز و غیرمجاز، رسمی و غیررسمی و بالا و پایین را به‌نمایش می‌گذارد، عمل باختینی نیز که در دوران حکومت استالین می‌زید و طعم زندان حکومت کمونیستی را نیز چشیده، دست‌کمی از عمل رابله ندارد؛ زیرا باختین هم رنالیسم گروتسک را در برابر رنالیسم سوسیالیستی می‌نشاند و بدین‌ترتیب در مقابل ایده «یک رهبر، یک حزب، یک اصل زیباشناختی» به ما می‌گوید، رمان به‌عنوان ژانری دربردارنده تنوع زبان‌ها و سبک‌ها نمی‌تواند امری تحمیلی، دستوری و تجویزی قلمداد شود.

نگاه باختین به تنوع و تکرر مندرج در رمان و بی‌اهمیت دانستن دستورالعمل‌هایی که می‌خواهند ادبیات معیار و ادبیات متعهد تولید کنند و غافل از قدرت ادبیات در خلق جهانی یکسره پیش‌بینی‌ناپذیر هستند، قابل مقایسه است با تفاوتی که او میان کارناوال و جشن‌های رسمی قائل می‌شود. از نظر باختین، کارناوال را نباید چیزی دانست هم‌ردیف تعطیلات رسمی یا جشن‌های همگانی که دولت‌ها بر پا می‌دارند؛ زیرا همانطور که هولکویست اشاره می‌کند: «مرجع اصلی صدور مجوز کارناوال، درنهایت تقویم تحمیلی کلیسا یا دولت نیست، بلکه قدرتی است مقدم بر کشیش‌ها و پادشاهان»، بنابراین حتی «وقتی این مقامات در ظاهر کارناوال را مجاز اعلام می‌کنند درواقع به این قدرت برتر تمکین می‌کنند»؛ زیرا چاره‌ای جز این ندارند.

▼ کارناوال و نوشدگی جهان

باختین خود نیز دراین‌زمینه صراحت دارد. او کارناوال را حتی چیزی شبیه صحنه نمایش نیز نمی‌داند؛ زیرا در کارناوال تمایزی، به‌نام تمایز بازیگر و تماشاگر وجود

ترمیم پیوندهای عاطفی ایفا می‌کند، براساس استنباط معصومه ابراهیمی، سفره‌های یلدا، مهرگان و دیگر آیین‌های ایرانی نشان‌دهنده نقش رنگ، مزه و شکل خوراک‌ها در ایجاد زبان نمادین آیین‌ها و انتقال حافظه فرهنگی از نسلی به نسلی دیگر هستند.

بخش مهم شماره چهارم فصلنامه تنور، به نسبت غذا و ادبیات اختصاص دارد و این نسبت را در ادبیات فارسی، روسیه، فرانسه، اسپانیا، و... بررسی کرده است. در بخش ادبیات فارسی به نحوه بازنمایی آشپزی در شاهنامه، مفهوم گرسنگی در داستان‌های صمد بهرنگی، گیاه‌خواری صادق هدایت، بازنمایی جشن‌ها و مهمانی‌ها در رمان «دایی جان ناپلئون» اشاره شده است. منصور بختیاری در مطلب «بشقاب ما، بشقاب پولدارها» نشان می‌دهد که صمد بهرنگی، غذا را عمدتاً در قالب گرسنگی و بشقاب خالی به تصویر کشیده و از آن به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی فقر و نابرابری استفاده کرده است. شهرام ناظم‌زاده نیز در مطلب «بزم‌های دایی جان ناپلئون» این نکته را مطرح می‌کند که غذاها، خوراکی‌ها و مهمانی‌ها در روایت و شخصیت‌پردازی رمان «دایی جان ناپلئون» نقش کلیدی دارند. شیدا چراغی نیز در «گیاه‌خواری صادق هدایت» درباره پیوند میان گیاه‌خواری صادق هدایت و موضع اخلاقی و فلسفی او نوشته تا نشان بدهد که گیاه‌خواری هدایت، نماد حساسیت اخلاقی و دیدگاه انسان‌محور او در زندگی و ادبیاتش است. سوشیانس شجاعی‌فرد نیز در مطلب «طعم گس زندگی» درباره اینکه آشپزخانه محور داستان‌گویی زویا پیرزاد از زنان